

## تأثیر و نقش آزادی‌های سیاسی در حقوق شهروندی

محمدعلی خسروی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

### چکیده:

یکی از اصول حکمرانی مطلوب، رعایت حقوق شهروندی می‌باشد و در حقوق شهروندی هم موضوع آزادی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، و باتوجه به اینکه یکی از شعارها و اهداف اساسی انقلاب اسلامی؛ تحقق آزادی بوده است؛ لذا این موضوع، در راستای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در جهت حفظ و تداوم انقلاب اسلامی دارای اهمیت و پرداختن به این مبحث دارای ضرورت می‌باشد. در این پژوهش، موضوع تأثیر و نقش آزادی‌های سیاسی بر حقوق شهروندی با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی واقع شده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که دین اسلام متضمن احکام و تعالیم بسیاری در مورد رعایت حقوق و آزادیهای انسان می‌باشد و در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بحث آزادی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و حکمرانی مطلوب و مشارکت مردم در اداره امور جامعه؛ مستلزم رعایت حقوق شهروندی؛ آزادی‌های سیاسی می‌باشد.

**واژگان اصلی:** حقوق شهروندی، آزادی سیاسی، اسلام، جمهوری اسلامی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

حقوق شهروندی؛ طیف وسیعی از حقوق را در بر می‌گیرد و متعلق محور مشترک این حقوق، هویت شهروندی؛ فارغ از تعلقات طبقاتی، قومی و نژادی می‌باشد و از سوی دیگر یکی از اصولی که در حکمرانی مطلوب و شایسته، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، موضوع رعایت حقوق شهروندی است و یکی از ابعاد برجسته حقوق شهروندی هم، بحث آزادی است که همواره تعریف و حدود آن، در مکاتب فکری و نظام‌های سیاسی گوناگون مورد مناقشه بوده است. در این مقاله منظور از حدود آزادی؛ شریعت اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

آزادی را می‌توان در ابعاد و سطوح گوناگون مورد بررسی قرار داد:

### آزادی فلسفی

آزادی فلسفی به معنای اختیار در برابر جبر است. حکما و فلاسفه بسیاری در رابطه با آزادی به مفهوم اختیار انسان بحث نموده و اختلاف نظر فراوان داشته‌اند، گروهی مانند معتزله معتقدند که انسان در افعال و تعیین سرنوشت خویش کاملاً آزاد است و براساس اراده خود می‌تواند هر فعلی را که اراده کند متحقق سازد ولی گروهی دیگر مانند اشاعره معتقدند که انسان موجودی است مجبور ولی شیعه در این رابطه دیدگاه میانه‌ای دارد و براساس دیدگاه تشیع و همانگونه که از امام صادق علیه السلام روایت شده: "نه جبر است و نه تفویض (اختیار)، بلکه امری است میان این دو امر." (سلمانی، ۱۴۰۰: ۹۹)

### آزادی تکوینی

در بررسی آزادی انتخاب، باید بیان آزادی تکوینی و تشریحی تفاوت قابل‌شده؛ آزادی تکوینی به این معناست که در نظام آفرینش، انتخاب راه و عقیده اجبار پذیر نیست، اصولاً دین را نمی‌توان بر کسی تحمیل کرد و از این رو قرآن کریم می‌فرماید: ((لااکراه فی الدین)) (سوره بقره، آیه ۲۵۶) و بنابر این اجباری در پذیرش دین وجود ندارد. و اگر آزادی و انتخاب وجود نداشت، ایمان نیز مفهوم پیدا نمی‌کرد. (کوپر، ۱۳۸۰: ۲۳)

### آزادی تشریحی

آزادی تشریحی به این معناست که انسان در انجام هر کاری بی‌اختیار و ناچار نیست، اما از این آزادی تکوینی نمی‌توان همچنین برداشت کرد که انسان در مرحله تشریح و انتخاب عقیده بتواند به هر سو، که خواست برود و در نهایت هم به سعادت و رستگاری برسد، هرگز چنین نیست. آن آزادی تکوینی در کنار وظیفه تشریحی قابل تفسیر است، قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: ((حق از سوی

پروردگار شما بیان شده است پس هر که می خواهد، ایمان آورد و هر که می خواهد کفر ورزد))، (سوره کهف، آیه ۲۹)؛ پس آنچه مورد خواست پروردگار است انتخاب حق و طریق هدایت است، اما برخی بنابه آزادی تکوینی، به سوی باطل می گرایند و لذا در انتخاب حق و باطل، انسان باید حق را برگزیند. و اگر چه خداوند انسان را تکویناً آزاد آفریده، اما تشریحاً راه حق و هدایت و رشد و کمال را برایش تبیین فرموده است: ((قد تبیین الرشد من الغی))؛ (سوره بقره، آیه ۲۵۶) و بنابر این راه رشد و هدایت از گمراهی کاملاً متمایز شده است. بسیاری دیگر از آیات قرآن نیز انسان را به وظیفه تشریحی اش در پذیرش حق توجه داده اند (گروه نویسندگان، ۱۳۸۰: ۲۸) مانند سوره انسان، آیه ۳ که می فرماید: (انا هدیناه السبیل، اما شاکراً و اما کفوراً) و یا سوره شمس، آیه ۸ که می فرماید: ((فالمهما فجورهما و تقواها)) و سوره بلد، آیه ۱۰ که می فرماید: ((و هدیناه النجدین)) و همچنین سوره احزاب؛ آیه ۷۲ که می فرماید: (ما به آسمانها و زمین و کوهها، امانت را عرضه کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیده و از آن هراس داشتند، تا انسان پذیرفت). بنابر این اختیار هر گونه تصمیم گیری با خود انسان است و قرآن کریم در این رابطه می فرماید: ((ان الله لا یغیر و ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم)) سوره رعد، آیه ۱۱، و از سوی دیگر راه بررسی و تحقیق در دین اسلام فراهم است و از این رو خداوند به پیامبر می فرماید که امکان تحقیق را برای مردم فراهم سازد، (و هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد که از دین آگاه شود، به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود و پس از شنیدن سخن خدا، او را به مأمّن و پناهگاهش برسان) تا هر چه را خواست با اختیار خود انتخاب کند (موسویان، ۱۳۸۲: ۱۷۲) و از سوی دیگر، اگر چه وظیفه پیامبر تذکر و ابلاغ و تبشیر و انذار است: (فذكر انما انت مذكر)؛ (پس تذکر بده که همانا تو تذکر دهنده ای) (سوره غاشیه، آیه ۲۲-۲۱)، اما همانگونه که مطرح شد، راه سعادت و هدایت از راه گمراهی و ضلالت جداسست و البته حتی پس از پذیرش دین اسلام، باز هم مجموعه ای از امور آزاد و به اصطلاح "مباحات" وجود دارد که در آن امور نیز تصمیم گیری با خود انسان است.

#### اصل آزادی همراه با مسئول بودن انسان

اسلام انسان را متوجه این نکته می کند که سرنوشت وی در گرو عمل اوست و قرآن درباره این طرز تفکر واقع بینانه و منطقی و منطبق با ناموس خلقت، می فرماید: (وَ اَنْ لِّیْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعَى) (نجم ۳۹)؛ برای بشر جز آن چه کوشش کرده، نیست. یعنی سعادت بشر در گرو عمل اوست. این که قرآن کریم می فرماید: (اِنَّ اللّٰهَ لَا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ)؛ (خداوند وضع هیچ جامعه ای را دگرگون نمی سازد، مگر این که آن جامعه در وضع خود تغییر ایجاد کند). (رعد: ۱۱) یک قانون

کلی و عمومی را بیان می کند که همیشه تغییرات از خود انسان می باشد و انسانها مسؤول اعمال خویش هستند. (مطهری، ۱۳۸۴: ۹۵)

### انبیاء؛ پیامدار حق آزادی بشر

تعالیم انبیاء و معارف مکتب اسلام در پرورش انسانها به گونه ای است که افراد تربیت شده هیچگاه زیر سیطره استعمارگران نروند و با هرگونه ظلم و ستم مبارزه کنند؛ از آزادی و حقوق انسانه دفاع نمایند و در راستای هدف و انگیزه بعثت انبیاء یعنی تحقق عدالت اجتماعی حرکت کنند (کواکبیان، ۱۳۸۱: ۵۶)

دین اسلام، متضمن احکام و تعالیم بسیاری در مورد رعایت حقوق و آزادیهای انسان می باشد. (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۴۹) همه انبیاء، با فراخواندن مردم به توحید، پیامدار آزادی انسان بوده اند و در پیام انبیاء آزادی به معنای رهایی از بندگی غیر خدا بوده است. علی (ع) در این رابطه فرموده است: ((بنده غیر خدا مباش زیرا که خدا تو را آزاد آفریده است.)) (گروه نویسندگان، ۱۳۸۰: ۲۲) رسالت انبیاء و شعار لا اله الا الله نشان می دهد که یکی از مسئولیتها و مأموریتهای انبیاء، آزاد کردن انسانها از جهل و شرک و فریب شیطان و هوای نفس و دنیا پرستی و طاغوتهای زمان بوده است. (بازرگان، ۱۳۷۸: ۱۲۲)

### آزادی عقیده و بیان

در اسلام آزادی عقیده و بیان وجود دارد و بدلیل همین آزادیها بود که اسلام توانست گسترش پیدا کند، شهید مطهری در این رابطه می گوید: "من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی، جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است، از اسلام فقط با یک نیرو می شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آنها" (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۹). اسلام بعنوان یک دین الهی متضمن احکام بسیاری در احترام به حقوق بشر و رعایت حقوق انسانی و از جمله آزادی عقیده و آزادی بیان است. (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۴۸). اسلام به آزادی اندیشه و تفکر اهمیت بسیار زیادی داده است و آیات فراوان در قرآن کریم، انسانها را به تفکر و تعقل فرا می خواند، زیرا کرامت و شرافت انسان به اندیشه ورزی و برگزیدن و انتخاب و آزاد اندیشی است و به همین جهت برای رشد و تکامل هر چه بیشتر به اندیشه و تفکر و تدبیر و تعقل توصیه شده است. (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۰۴) البته آزادی فکر و عقیده به اعتبار فکر و تعقل انسان است. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۷۵: ۲۹). خداوند به پیامبران می فرماید: برای اثبات یا ابطال باطل استدلال کنند. (مهر پور، ۱۳۷۳: ۱۴۱)، بعنوان مثال در آیه ۱۲۵ سوره نحل آمده است که: ((ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن))؛ (مردم را از راه دلیل و برهان و پند و نصیحت نیکو به سوی

خداوند دعوت کن و با آنان به نیکوترین روش به بحث و مناظره پرداز) و همچنین در سوره زمر، آیه ۱۸ به افرادی که سخنها را بشنوند و بهترین آن را برمی‌گزینند، بشارت داده شده است: ((فبشر عبادی الذین يستمعون القول فیتبعون احسنه)) و البته بر اساس آیه ۳۳ سوره فصلت، سخن احسن آن است که به سوی خدا فراخواند. پس بنابر این در اسلام آزادی اندیشه و بیان البته با شرایطی پذیرفته شده و مورد احترام می‌باشد و اسلام آزادی تفکر را نه تنها یکی از حقوق بشر، بلکه یکی از وظایف او می‌داند و آزادی بیان سبب تعالی روح و رشد و تکامل فکری انسان می‌گردد. (مدنی، ۱۳۷۷: ۸۰)

### اصل امر به معروف و نهی منکر و آزادی انتقاد از سوء عملکرد مدیران و مسئولان

اصل امر به معروف و نهی منکر در اسلام وجود داشته و آیاتی از قرآن کریم نیز بر این اصل تأکید نموده‌اند، مانند آیه ۷۱، سوره توبه و یا آیه ۱۱۰ سوره عمران و یا آیه ۴۱، سوره حج و البته باید توجه داشت که لازمه توجه به این اصل، وجود آزادی بیان است و آزادی انتقاد را نیز می‌توان از این اصل بدست آورد و بدین ترتیب با تأکید بر اصل امر به معروف و نهی منکر، این حق برای مردم وجود دارد که دولتمردان را از طریق انتقاد و نصیحت از انحرافات و سوء استفاده‌ها بر حذر دارند و به رعایت حقوق مردم و اجرای عدالت فرا خوانند. این اصل برای مردم نه یک حق بلکه با شرایطی یک تکلیف محسوب می‌شود و همانطور که در زیارت عاشورا می‌خوانیم حتی یکی از اهداف قیام امام حسین (ع) نیز بوده است، بنابراین تأکید بر این اصل و انتقاد سازنده در مقابل انحرافات و کجروی‌ها و سوء استفاده‌ها در جامعه و بخصوص کارگزاران حکومتی، حکایت از آزادی بیان در اسلام دارد.

کارل پوپر فیلسوف غربی در کتاب خود تحت عنوان جامعه باز و دشمنانش جامعه ای را باز معرفی می‌کند که در آن امکان انتقاد فراهم باشد و می‌گوید: امروزه کار دولت؛ نه دستور به مردم بلکه تأمین امنیت و حقوق و پذیرش انتقادات آنان است. (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۱۶)

### محدودیت‌های آزادی بیان در اسلام

باید توجه داشت که در اسلام آزادی اندیشه و تفکر بدون قید است ولی آزادی بیان محدودیت‌هایی دارد و از جمله اینکه آزادی بیان نباید منجر شود به غیبت و توهین و افتراء و تمسخر و افشاء اسرار و عیوب شخصی دیگران، چرا که این امر موجب نقض حقوق و کرامت انسان‌ها می‌گردد. آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: ((... ولاتجسسبوا...))، (تجسس و غیبت یکدیگر را نکنید...))، از سوی دیگر آزادی

بیان، نباید منجر به ترویج خرافات و فساد و فحشاء و یا توهین به مقدسات و یا بدعت گذاری در دین گردد. ولدا آزادی نباید منجر به سوء استفاده از آزادی و توهین به مقدسات گردد؛ همانگونه که متاسفانه اخیراً نیز توسط برخی اشخاص یا نشریات در بعضی کشورهای غربی به اسم آزادی قرآن کریم و پیامبر اسلام (ص) توهین صورت گرفت. اما در همین کشورهای غربی؛ موضوع هولوکاست و نقد صهیونیسم از جمله خطوط قرمز آزادی بیان می باشد.

### رابطه حیات و آزادی

از دیدگاه قرآن، آزادی؛ مقدمه حیات است و همه آزادیهای انسان برای آن است که حیات اصیل و طیب برای خود فراهم سازد و به حیات مادی و معنوی ارجمندی دست یابد. انسان باید آزاد باشد و برای رسیدن به این آزادی باید خود را از زنجیرهای اسارت برهاند. و با ایمان و عمل صالح در زمره "اصحاب یمین" قرار گیرد و این آزادی است که می تواند مقدمه حیات انسانی و رفیع باشد.

### رابطه آزادی و آزادگی

می توان گفت آزادی، رهایی از اسارت غیر خدا و طاغوت‌های بیرونی است ولی آزادگی به معنای وارستگی و رهایی از سلطه نفس اماره است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶: ۲۵۱). و بنابر این مفهوم آزادی در اسلام، گسترده تر از آزادی در مکاتب غیر الهی است، چرا که در اسلام به رهایی انسان از اسارت و زنجیرهای درونی هم توجه می شود. (قاضی زاده، ۱۳۷۷: ۳۰۲) قرآن کریم یکی از اهداف پیامبران را آزادی انسان از طاغوت‌های درونی یا فرهنگی و اقتصادی و غیره مطرح می کند و می فرماید: ((و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم)) سوره اعراف، آیه ۱۵. و بنابر این با آزاد کردن عقل و خرد انسان، از قید و بند هواهای نفسانی و دنیا پرستی و خرافه گرایی، جان آدمیان را در فضای بیکران معنویت به پرواز در می آورد. (خاتمی، ۱۳۷۸: ۴۴)

### حق انتخاب

از دیدگاه اسلام، انسان موجودی است منتخب، مختار و دارای اختیار و حق انتخاب، چرا که هدف، حرکت انسان به سوی خدا می باشد و این هدف جز با اختیار و انتخاب انسان میسر نمی گردد و خداوند انسان را آزاد آفریده و حتی به او اختیار انجام معصیت را داده البته اختیار انسان مطلق نبوده و علاوه برآنکه اختیار، خود موهبتی الهی است در چارچوب مشیت پروردگار عالم محدود می گردد، ولی با این موهبت الهی است که انسان می تواند به درجه ای از تکامل برسد که از ملائک برتر شود، چرا که خداوند تقرب انسان را به سوی خود از طریق اراده و اختیار و انتخاب قرار داده است. (خاتمی، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸)

۴۶) در بعد سیاسی نیز مردم حق تعیین سرنوشت جامعه خود را از طریق انتخاب نمایندگان خود دارا بوده و بنظر می‌رسد که هرچقدر سلیقه‌گرایی کاهش یابد؛ وقانون‌گرایی حاکم باشد؛ میزان مشارکت مردم در انتخابات می‌تواند افزایش داشته باشد و دموکراتیک‌ترین کشور در میان کشورهای خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ در هر سال به طور متوسط یک انتخابات برگزار شده و درصد مشارکت مردم در انتخابات در جمهوری اسلامی ایران؛ حتی از کشورهای غربی نیز بسیار بیشتر می‌باشد.

### آزادی قانونی

در هر جامعه‌ای قواعد و قوانین و مقرراتی وجود دارد که آزادی انسان را محدود می‌کند و بنابر این آزادی افراد یک جامعه در سطح قانون و مقررات آن جامعه است. البته در بعد قانونی، هر اندازه که آزادی محدودتر شده باشد، باعث می‌گردد که مقبولیت حکومت کاهش یافته و رابطه کمتری میان مردم و حکومت وجود داشته باشد.

پس اینچنین نیست که انسانها آزاد مطلق باشد، آزادی به معنای بی‌بند وباری را نه عقل می‌پذیرد، نه فطرت، نه دین و نه جوامع انسانی، انسان در عین آزاد بودن، در ابعاد تشریحی، اخلاقی و قانونی حد و مرزهایی دارد که باید آنها را رعایت کند و در غیر اینصورت در همه جای دنیا برای او مجازات‌هایی وجود دارد و اگر چنین نباشد هرج و مرج همه جوامع را به نابودی سوق می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۸) بطور کلی از زمانیکه دولت پدیدار شده و وسایل الزام و اجبار به صورت نهادی در انحصار دولتها در آمده، آزادیهای افراد به شرطی از طرف ارگانهای دولتی پذیرفته می‌شوند که به شکل قانون موضوعه باشند. (نویمان، ۱۳۷۳: ۷۲) در قانون اساسی نیز حق آزادی یک بعنوان یک اصل پذیرفته شده است. اصل دوم قانون اساسی بعد از طرح ۵ اصل بعنوان اصول زیربنایی نظام جمهوری اسلامی ایران که در واقع اصول اعتقادی هستند، یعنی توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت، اصل دیگری را اضافه نموده که عبارت است از کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند (بند ۶، اصل ۲) یعنی از دیدگاه قانون اساسی، اصل آزادی انسان، جایگاهی در کنار اصول اعتقادی پنجگانه در ساختار زیر بنایی نظام جمهوری اسلامی دارد و در این روند باید مورد عنایت و توجه قرار گیرد. (کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵) اصل نهم قانون اساسی آنچنان به مسأله آزادی و حفظ آن در جمهوری اسلامی اهمیت داده که آن را با استقلال و وحدت و تمامیت ارضی تفکیک ناپذیر دانسته و در ذیل اصل تصریح کرده که هیچ مقامی حتی با وضع قانون و تحت عنوان حفظ استقلال و تمامیت ارضی

کشور هم، نمی تواند آزادیهای مشروع را سلب کند. بند ۲ اصل ۱۵۶ یکی از وظایف قوه قضائیه را گسترش عدل و آزادیهای مشروع می داند و طبق اصل ۱۲۱ در متن سوگند نامه رئیس جمهور هنگام تصدی این مقام حمایت از آزادی و حرمت اشخاص گنجانده شده است. (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۵۷)

و بر اساس اصل نهم قانون اساسی؛ حفظ آزادی، وظیفه دولت و آحاد مردم شمرده شده است و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را؛ هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. (کواکبیان، ۱۳۸۳: ۱۸۹)

بطور کلی می توان آزادیهای سیاسی را که مشخصاً در بعضی از اصول قانون اساسی مطرح شده در دو دسته مورد بررسی قرار داد: حقوق آزادیهای فردی شامل موارد متعددی است که مهمترین آنها عبارتند از: حق زندگی، حق برخورداری از امنیت، حق برخورداری از خانه و مسکن، آزادی رفت و آمد در خانه، محل اقامت، مصونیت مکاتبات و اسرار شخصی، آزادی عقیده و مذهب و آزادی بیان، که به بررسی آنها می پردازیم.

### آزادی اندیشه و عقیده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی در مورد آزادی اندیشه و عقیده محدودیت خاصی وجود ندارد و اصل بیست و سوم قانون اساسی، به آزادی داشتن هر نوع عقیده برای افراد پرداخته است، اصل مزبور می گوید:

"تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان بصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد." البته با توجه به آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداوند از دیدگاه اسلامی، انسان در انتخاب عقیده باطل آزاد نیست، بلکه باید کنکاش نماید و عقیده توحیدی را بدست آورد، ولی آنچه مربوط به جنبه عملی و خارجی و برخورد حکومت می شود این است که نباید برای پی بردن به عقیده فردی، در مقام تفتیش و تجسس برآمده و هیچکس نباید به خاطر داشتن عقاید خاصی، محاکمه و مجازات گردد و یا احیاناً محرومیت هایی از حقوق اجتماعی پیدا کند. داشتن عقیده باطل هر چند قبیح است ولی امری است مربوط به تکلیف و مسئولیت انسان در برابر خداوند. در زمینه آزادی مذهبی، اصول ۱۲ تا ۱۴ قانون اساسی، تکلیف را روشن کرده و طبق اصول مزبور، پیروان سه دین زرتشتی، مسیحی و یهودی و نیز به طریق اولی پیروان مذاهب اسلامی در انجام مراسم مذهبی خود آزادند و در احوال شخصیه نیز طبق تعلیمات دینی خود عمل می کنند و بنابر این پیروان سایر فرقه ها و گرایشهای مذهبی، هر چند طبق اصل ۲۳ از اصل آزادی عقیده برخوردار هستند، ولی آزادی نشر عقاید خود و تبلیغ



آن و انجام مراسم مذهبی که جنبه غیر شخصی و عمومی دارد، برای این گروهها در اصول قانون اساسی پیش بینی نشده است ولی به هر صورت، اصولاً عقاید قلبی و اعتقادات افراد از طریق وجدان و فطرت بدست می آید و نمی توان با اکراه و اجبار عقیده کسی را تغییر داد. (هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۵۸)

### آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان در اصل ۲۴ این قانون، تحت عنوان آزادی نشریات و مطبوعات ذکر شده است. اصل بیست و چهارم می گوید: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند، تفصیل آن را قانون معین می کند". از مفاد این اصل یک قاعده برای تضمین آزادی بیان و نشر استفاده می شود و آن اصل اباحه و اصل آزادی بیان و استثنایی بودن بیان ممنوع می باشد. اصل یکصد و هفتاد و پنجم نیز مقرر می دارد: "از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد." البته براساس سایر قوانین و مقررات داخلی مانند قانون مجازات اسلامی، آزادی بیان محدودیتهایی نیز دارد و بعنوان نمونه: افشای اسرار حرفه ای در رابطه با افراد، قذف، افتراء و نشر اکاذیب، سوگند و شهادت دروغ و اهانت به مقدسات یا تبلیغ به نفع گروههای مخالف نظام یا جاسوسی و افشای اسرار نظامی در رابطه با امنیت کشور جرم محسوب شده و مجازات دارد. (کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۴۲)

### حق برخورداری از امنیت و مصونیت مکاتبات و مکالمات و اسرار شخصی

بر اساس قانون اساسی افراد باید از امنیت برخوردار باشند و بر اساس اصل سی و دوم: "هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند..."، همچنین نامه ها و مکالمات میان افراد باید از هر گونه تعرض در امان باشد بر اساس اصل ۲۵ قانون اساسی: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور عدم مخایره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است. مگر به حکم قانون.»

### اصل براءت، حق دادخواهی

بر اساس اصل سی و هفتم قانون اساسی: "اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد." و بر طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: "دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای

صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد." و از سوی دیگر بر اساس اصل یکصد و پنجاه و ششم، قوه قضائیه باید پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و آزادیهای مشروع باشد.

### حق تعیین سرنوشت

در رابطه با مفهوم آزادی، می توان دو معنا از آزادی را مورد تفکیک قرار داد، در معنای منفی، آزادی عبارت است از نبود قید و مانع در راه گزینش های بالفعل یا بالقوه انسان ولی در معنای مثبت، آزادی عبارت است از توانایی شخص در تعیین سرنوشت و اداره زندگی خویش و آزادی در معنای اخیر، مفهوم مشارکت در سرنوشت سیاسی نیز می باشد، در رابطه با کشور ما نیز، یکی از سه شعار اصلی انقلاب اسلامی در کنار شعار (استقلال) و (جمهوری اسلامی)، (آزادی) بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۰۵) و اگر قانون اساسی را تفسیر رسمی شعارهای انقلاب اسلامی بدانیم، می بینیم که در قانون اساسی نیز هر دو جنبه آزادی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و بعنوان نمونه در مقدمه قانون اساسی، مسئله مشارکت مردم در تمامی مراحل تصمیم گیریهای سیاسی مطرح شده است. در قسمتی از مقدمه چنین آمده است: (قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می سازد) همچنین بر اساس اصل ششم قانون اساسی: (در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید با اتکاء بر آرای عمومی اداره شود. از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد). بر اساس اصل یکصد و هفتم قانون اساسی نیز: "تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است" و بر اساس اصل یکصد و چهاردهم نیز: "... رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود..." و بر طبق اصل شصت و دو قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مستقیماً با رأی مردم انتخاب می شوند و بر اساس اصل یکصد و هفتم قانون اساسی، اعضای شوراها، شهر و روستا را مردم بصورت مستقیم انتخاب می کنند که این موارد نشاندهنده حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه خویش است. (اختر شهر، ۱۳۸۲: ۲۶۲) در اصل هفتم نیز به بحث شوراها و مشورت توجه شده: "طبق دستور قرآن کریم (و امرهم شوری بینهم) و (شاوړ هم فی الامر)، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری ها و اداره امور کشور هستند..." و در بند ۸ اصل

قانون اساسی هم از جمله وظایف دولت: " مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش می باشد" همچنین در قانون اساسی به مسئله نظارت مردم بر عملکرد مسئولان نیز توجه شده و براساس اصل هشتم: " در جمهوری اسلامی، دعوت بخیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل به عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند". بر طبق اصل پنجاه و ششم نیز: " حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می آید اعمال می کند". که این موارد مطرح شد. پس باتوجه به این اصول قانون اساسی، حق تعیین سرنوشت و اداره امور جامعه توسط مردم را به رسمیت شناخته و آن را از حقوق مسلم مردم محسوب نموده است البته در قانون اساسی به آزادی در معنای منفی آن نیز توجه شده و بعنوان نمونه در بخشی از مقدمه آن آمده است که: " قانون اساسی تضمین گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می باشد ... " و همچنین در اصل سوم در رابطه با وظایف دولت آمده است: " طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب" (بند ۵)، و " محو هرگونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی" (بند ۶).

### حقوق احزاب و آزادی اجتماعات

از دیگر حقوق، حقوق آزادی احزاب یا تشکل های سیاسی، اجتماعی، صنفی و تشکلی اجتماعات است که در اصول ۲۶، ۲۷ قانون اساسی نیز به این امر توجه شده است. اصل بیست و ششم از یکسو به آزاد بودن تشکل هر نوع حزب و جمعیتی مشروط به عدم نقض اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی و موازین اسلامی اشاره می کند و از سوی دیگر آزاد بودن همه افراد به شرکت در این نوع جمعیت ها و یا خودداری از شرکت در آنها را مورد تأکید قرار می دهد: " احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط براینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت". البته بعدها در قوانین عادی مربوط به ارتش (بر اساس بند ۶ ماده ۶ قانون ارتش مصوب سال ۱۳۶۶، و بند ۱۶ ماده ۱۶ قانون مقررات استخدام سپاه پاسداران مصوب ۱۳۷۰) عضویت اعضای نیروهای مسلح در احزاب سیاسی ممنوع شد و شورای نگهبان هم علیرغم اینکه قانون اساسی هیچ فرد و طبقه و گروهی را از حق تشکیل

یا ورود به احزاب استثناء نکرده است، این مقررات قانون عادی را مغایر قانون اساسی نشناخت. (مهر پور، ۱۳۷۸: ۱۶۱)

اصل بیست و هفتم قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: "تشکیل اجتماعات و راهپیمائی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است". البته در این رابطه لازم به ذکر است که بر اساس تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی مصوب شهریور ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، تشکیل اجتماعات و برگزاری راهپیمائی‌های موضوع اصل ۲۷ قانون اساسی را منوط به کسب مجوز از وزرات کشور نموده و می‌گوید: "برگزاری راهپیمائی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است". که شورای نگهبان به آن قسمت از تبصره ۲ که راهپیمائی در معابر عمومی را منوط به کسب مجوز از وزارت کشور نموده بود، ایراد وارد کرد و آن را مغایر قانون اساسی دانست. نظر شورای نگهبان بدین شرح بود: "آن قسمت از تبصره ۲ ماده ۶ که شکل راهپیمائی در معابر عمومی را منوط به کسب اجازه قبلی از وزارت کشور دانسته با توجه به اینکه اصولاً راهپیمائی در غیر معابر عمومی مصداق ندارد و طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل راهپیمائی بدون حمل سلاح و در صورتیکه مخل به مبانی اسلام نباشد، بدون قید دیگری آزاد است، مغایر قانون اساسی می‌باشد". (مهرپور، ۱۳۷۱: ۶۴) در واقع شورای نگهبان و استنباط او از اصل ۲۷ قانون اساسی این بود که برای برگزاری راهپیمائی و تشکیل اجتماعات جز دو شرط عدم حمل سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام، شرط دیگری وجود ندارد و قید گرفتن مجوز از وزارت کشور قید اضافه‌ای است که در قانون اساسی نیامده است و آوردن این قید در قانون عادی برقراری محدودیتی است که مورد نظر قانون اساسی نبوده است. در مورد برگزاری راهپیمائی‌ها نظر شورای نگهبان این بود که چون اصولاً راهپیمائی‌ها جز در معابر عمومی معنا و مفهومی ندارد و مثل تشکیل اجتماعات نیست که هم در مراکز خصوصی و هم در مراکز عمومی امکان برگزاری آنها باشد و قانون اساسی نیز راهپیمائی را بدون قید کسب مجوز آزاد اعلام کرده، بنابر این مقید کردن برگزاری راهپیمائی در معابر عمومی به کسب مجوز قبلی از وزارت کشور، خلاف قانون اساسی است و لذا در اصلاحی که مجلس در تبصره ۲ به عمل آورد صرف اطلاع دادن به وزارت کشور را برای برگزاری راهپیمائی کافی است ولی البته تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ را مبتنی بر مخل نبودن آن با مبانی اسلام لازم شمرد و شاید شورای نگهبان نیز بدین جهت که قانع نشده

بود که اشکال مغایرت با قانون اساسی رفع شده این بار پاسخی در تأیید یا رد "مصوبه مجلس نداد و در نتیجه با انقضاء مدت ده روز و عدم اعلام نظر از سوی شورای نگهبان، مصوبه مجلس طبق اصل ۹۴ قانون اساسی لازم الاجراء شد. (مهرپور، ۱۳۷۱: ۶۵)

### آزادی‌ها و حقوق اقلیتهای مذهبی

بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی: "دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از صنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها، بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب" و براساس اصل سیزدهم نیز: "ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند" و همچنین براساس اصل چهاردهم: "... دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند". بنابر این همانگونه که ملاحظه گردید حقوق اقلیتهای مذهبی نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و رعایت قرار گرفته است.

### تهدیدات قانون اساسی برای تضمین آزادیهای اساسی

برخی از اصول قانون اساسی حاوی احکام و مقرراتی است که می تواند به نوعی تضمین عملی حفظ آزادیهای مقرر در قانون اساسی باشد. از جمله اصل بیست و پنجم قانون اساسی که اجرای صحیح این اصل مسلماً کمک موثری در حفظ آزادی بیان و اندیشه شهروندان خواهد داشت و یا اصل هفتاد و نهم قانون اساسی که علی الاصول برقراری حکومت نظام را ممنوع اعلام می دارد و در شرایط بسیار استثنائی محدودیتهای ضروری را بطور موقت آنها را تصویب مجلس شورای اسلامی اجازه می دهد، یکی از تهدیدات مهم قانون اساسی برای حفظ آزادی شهروندان است زیرا اعلام حکومت نظامی بزرگترین عامل برای جلوگیری از آزادیهای مردم بخصوص آزادیهای اجتماعات و بیان نظرات و عقاید

است، قانون اساسی با حساسیتی که نسبت به سوء استفاده مقامات حکومتی از داشتن اختیار اعلام حکومت نظام به بهانه حفظ نظم و امنیت داشته و به نحوی این حساسیت در اصل نهم قانون اساسی نیز منعکس شده به تشخیص و تصویب مجلس شورای اسلامی موکول نموده است. اصل هفتاد و نهم مقرر می‌دارد: (برقراری حکومت نظامی ممنوع است، در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند). اصل صد و شصت و هشتم قانون اساسی می‌گوید: "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد..." این اصل نیز یکی از تهیدات قانون اساسی برای حفظ آزادی اشخاص است زیرا تخلفات و جرائم مطبوعاتی که به بیان و نشر مطالب و عقاید و تخطی از حدود و موازین آن مربوط می‌شود و جرائم سیاسی که به هر حال مربوط به معارضه با حاکمیت و ابراز و اعمال دیدگاه‌های سیاسی برای اداره جامعه با نقص قوانین حاکم می‌شود، رابطه تنگاتنگی با آزادی بیان و عقیده دارد و تعیین مرز بین مناطق شروع و ممنوع بسیار ظریف است و در اینجا الزام به تشکیل علنی محاکمات و قرار دادن آن در معرض افکار عمومی و دخالت هیأت منصفه که قاعدتاً از طبقات مختلف مردم تشکیل می‌شود و اظهار نظرات آن، منعکس کننده فهم و احساس عموم جامعه است، می‌تواند عامل بسیار موثری در تأمین آزادی بیان و قلم باشد و تفاسیر مضیق و اعمال سلیقه‌های شخصی را کاهش دهد. (مهر پور، ۱۳۷۸: ۱۶۶) همچنین ماده ۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ مقرر می‌دارد که: "نشریات، جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی آزادند". به علاوه سانسور مطبوعات هم در ماده ۴ قانون مطبوعات منع شده است. (امین، ۱۳۷۶: ۴۶۵) براساس اصل ۹۰ قانون اساسی نیز: "هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند". یکی دیگر از نهادهای مهم قضائی برای جلوگیری از سوء مدیریت دستگاه‌های دولتی و سوء استفاده آنها از قدرت نسبت به مردم، دیوان عدالت اداری است که برابر اصل ۱۷۳ قانون اساسی تأسیس شده است پس بنابراین در قانون اساسی حقوق و آزادیهای اساسی مردم مورد توجه قرار گرفته مانند اصل برائت (اصل

۳۷ قانون اساسی)، اصل عطف بماسبق نشدن قوانین (اصل ۱۶۹ قانون اساسی)، اصل تأمین قضائی (اصل ۳۲ قانون اساسی) (وردی نژاد، ۱۳۷۷: ۳۲۸)، اصل حق استفاده از وکیل (اصل ۳۵ قانون اساسی)، اصل ممنوعیت شکنجه (اصل ۳۸ قانون اساسی)، اصل علنی بودن دادرسی (اصل ۶۵ قانون اساسی)، تساوی در برابر قانون (اصل ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی)، منع تبعیض نژادی و قومی و زبانی (اصل ۱۹ قانون اساسی)، اصل تساوی زن و مرد (اصل ۲۰ قانون اساسی)، اصل ممنوعیت تفتیش عقاید (اصل ۲۳ قانون اساسی) و ... ملاحظات فوق نشان می‌دهد که متن قانون اساسی از جهت تأکید بر حفظ حقوق و آزادیهای فردی که حفظ و رعایت حقوق بشر کفایت می‌کند، اما اگر مشکلی هست، از نظر اجرای عملی این حقوق و آزادی‌ها است. و همچنین در برخی موارد قوانین و مقررات داخلی نیز در جهت هماهنگی با قانون اساسی نیاز به اصلاح و بازنگری دارد.

در نظریه حوزه عمومی هابرماس بحث دسترسی برابر به حقوق شهروندی مطرح شده است و هابر ماس معتقد است افراد در بافت حوزه عمومی جامعه می‌توانند نقش شهروندی پیدا کنند، یعنی فرد در نقش شهروندی به عنوان حذف می‌باشد از جمله اصل برابری و امکان دسترسی به منابع جامعه و در این حوزه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد و اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود در بافت حوزه عمومی به ایفای نقش شهروندی بپردازند. (کسرابی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۲)

حقوق شهروندی در ادیان الهیاز جمله اسلام قبل از اعلامیه حقوق بشر و شهروندی وجود داشته است مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که در آیات متعددی اشاره به خلقت انسان توسط خدا و وابستگی انسان به خداوند در آفرینش و ادامه حیات دارد در واقع اعتقاد به اینکه خداوند خالق انسان است و تربیت و پرورش و تدبیر امور انسان نیز بر عهده خدا است باعث می‌شود که هدایت و قانونگذاری را مختص خداوند بدانیم (قهرمانی افشار و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷)

توسعه را می‌توان به صورت فرآیند بسط آزادی‌های واقعی که مردم از آن برخوردارند، در نظر گرفت. برخورداری از آزادی‌های سیاسی به عنوان معیار شناخت توسعه سیاسی قرار دارد. توسعه مستلزم حذف موانع آزادی‌هاست. از جمله موانع آزادی عبارتند از فقر و ظلم، فرصت‌های نابرابر سیاسی و اقتصادی و محرومیت‌های اجتماعی، غفلت از مقبولیت مردمی و و افراط‌گرایی و عدم مدارا. آزادی موتور توسعه سیاسی و امکان مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف جامعه است.

آزادی‌های سیاسی، همچون آزادی مشارکت سیاسی و ابراز عقیده و آزادی انتقاد؛ فرصت‌های

برابرسبب مسئولیت های سیاسی مانند نمایندگی مجلس از جمله عناصر سازنده توسعه بوده و می تواند موجب توسعه سیاسی نیز باشد. این آزادی ها و حقوق در معاضدت به توسعه سیاسی بسیار موثر هستند. آزادی در ابعاد گوناگون شامل عناصری متمایز اما به هم مرتبط هستند؛ مانند: آزادی های سیاسی و آزادی اقتصادی و آزادی های اجتماعی و ضمانت های حمایتی از این آزادی ها که هر یک از این انواع متمایز حقوق و فرصت ها به پیشرفت جامعه و پیشبرد قابلیت عمومی افراد جامعه در استفاده از فرصت ها و امکانات کمک می کند.

آزادی ها نه تنها از اهداف های توسعه سیاسی هستند، بلکه جزء ابزارهای اصلی توسعه نیز هستند. آزادی های سیاسی در شکل آزادی بیان و انتخابات به ترویج امنیت و افزایش مشارکت مردم در ساختار سیاسی جامعه نیز کمک می کنند. با آزادی های سیاسی و اجتماعی، افراد می توانند به طور موثری به سرنوشت خود شکل بدهند و نسبت به سرنوشت جامعه احساس مسئولیت داشته باشند. بیشتر موانع توسعه سیاسی را می توان به فقدان حقوق و آزادی های اساسی نسبت داد. از آن جایی که آزادی های سیاسی و مدنی عناصر قوام بخش آزادی انسانی هستند، نفی آن ها فی ذاته یک نقص و معلولیت است. در بررسی نقش حقوق انسانی در توسعه سیاسی باید به اهمیت قوام بخشی و ابزاری حقوق مدنی و آزادی های سیاسی توجه کنیم. دو دلیل متمایز برای اهمیت اساسی آزادی فردی در مفهوم توسعه وجود دارند که به ترتیب به ارزشیابی و موثر بودن مربوط می شوند. نخست اینکه در رویکرد ارزشی، آزادی ها ی اساسی فردی نقش کلیدی دارد. موفقیت یک جامعه را می توان اساساً بوسیله آزادی های اساسی که افراد آن جامعه از آن ها برخوردارند ارزیابی نمود. دلیل دیگر برای اهمیت زیاد آزادی سیاسی این است که آزادی نه تنها مبنای ارزیابی موفقیت یا شکست در فرآیند توسعه سیاسی است، بلکه یک عامل تعیین کننده اصلی برای ابتکار کارآمدی نظام های سیاسی نیز می باشد. آزادی سیاسی؛ اختیار و انتخاب و توانایی مردم را برای مشارکت در تعیین سرنوشت خویش و در همین راستا مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را افزایش می دهد.

در واقع مزایای آزادی؛ دارای گستره بسیار وسیعی است؛ اما به طور کاملاً بنیادی تر، آزادی سیاسی و آزادی های مدنی مستقیماً به نوبه خود حائز اهمیت است. حتی وقتی مردم بدون آزادی سیاسی یا حقوق مدنی؛ از شرایط اقتصادی مطلوبی نیز بهره مند باشند؛ از آزادی های مهمی برای هدایت زندگیشان محروم هستند و از آن ها فرصت مشارکت در تصمیمات مهم مربوط به امور سیاسی و اجتماعی سلب می شود. این محرومیت ها زندگی سیاسی و اجتماعی را محدود می کنند و باید به آن ها به صورت



محرومیت‌های اساسی نگر نیست، حتی اگر منجر به مشکلات دیگر همچون آشوب‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی نشود.

در حقیقت کارکرد نظام مردم‌سالار و آزادی‌های سیاسی می‌تواند، حتی به پیشگیری از بحرانهای مشارکت و مشروعیت کمک کند. دولت‌های مردمی باید بتوانند انتخابات آزاد با مشارکت حداکثری نامزدها و حضور گسترده مردم را برگزار نمایند و پاسخگویی افکار عمومی باشند.

تعجب آور نیست که در نظام‌های جمهوری و مردم‌سالاری کمتر از نظام‌های سلطنتی انقلاب رخ می‌دهد. گسترش آزادی سیاسی و انسانی هم هدف و وسیله اصلی توسعه سیاسی است. در فرآیند توسعه سیاسی؛ چشم انداز آزادی در مرکز صحنه قرار دارد. در این چشم انداز باید به مردم به صورت فردی نگرسته شود که در صورت داشتن فرصت، فعالانه به شکل دهی سرنوشت خود مبادرت می‌ورزند و نه فقط به صورت افراد منفعلی که فقط در زمان انتخابات نقش داشته باشند. آزادی به فرصت واقعی برای تحقق پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی انسانها اطلاق می‌شود. آزادی هم ارزش ذاتی و هم ارزش ابزاری دارد. وقتی می‌توان از نظم و نظام اجتماعی دفاع کرد که در آن آزادی‌های دستیابی به پیشرفت و تعالی برای همه افراد جامعه مهیا شده باشد. نهادهای اجتماعی گوناگونی مرتبط با امور اداری، قوه مقننه، احزاب سیاسی، سازمان‌های غیردولتی، قوه قضائیه، رسانه‌ها به فرآیند توسعه سیاسی؛ از طریق تاثیراتشان برگسترش و حفظ آزادی‌های سیاسی کمک می‌کنند و ازسوی دیگر وجود آزادی‌های سیاسی نیز می‌تواند زمینه را برای گسترش فعالیت این نهادها فراهم نماید... تجزیه و تحلیل توسعه سیاسی؛ مستلزم یک درک جامع از نقش‌های مربوطه این نهادهای مختلف و تعاملات آنهاست. شکل‌گیری ارزش‌ها و تکامل اخلاق اجتماعی نیز بخشی از فرآیند توسعه است که همراه با کارکرد نهادهای دیگر نیازمند توجه است. یکی از ویژگی‌های آزادی این است که جنبه‌های گوناگونی مرتبط با فعالیت‌ها و نهادهای مختلف؛ از احزاب گرفته تا رسانه‌ها و مطبوعات و... دارد. این ویژگی آزادی نباید تسلیم دیدگاه‌های سلیقه‌ای شود که امکان حضور افراد در ساختار سیاسی را محدود می‌کنند. این واقعیت را هم نادیده نمی‌گیریم که آزادی یک مفهوم ذاتا متنوع و چندگانه است که شامل ملاحظات فرآیندها و نیز فرصت‌های اساسی است. توسعه سیاسی در حقیقت پرداختن بسیار جدی به جنبه‌های گوناگون آزادی است.

وجود آزادی‌های سیاسی و از جمله احزاب مستقل و مطبوعات آزاد، انجمن‌های صنفی، N.G.O. ها و سایر اجزای جامعه مدنی که واسطه میان مردم و نهاد دولت هستند موجب

خواهد شد که حکومت‌ها در مسیر تحقق پیشرفت قرار گیرند. یکی از دستاوردهای پیروزی انقلاب اسلامی این بوده است که با توجه به اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت آزاد احزاب و جمعیت‌های سیاسی و صنفی به رسمیت شناخته شده است. از مهمترین شاخص‌های توسعه سیاسی؛ آزادی‌های سیاسی و برابری مردم در حقوق شهروندی و رقابت انتخاباتی است اگر مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خویش؛ جوهره اصلی مردم‌سالاری و جمهوریت است و اگر همه آنان بصورت برابر می‌توانند رقابت کنند؛ باید این شهروندان بتوانند آزادانه هم تصمیم بگیرند و آزادانه پیشنهادات خود را بیان کنند و اساساً شهروند بدون آزادی مفهوم شهروند ندارد. (کواکبیان، ۱۳۸۶: ۱۷)

### موانع آزادی

یکی از مشکلاتی که در مسیر آزادی‌های سیاسی و بطور کلی آزادی بشر قرار دارد، ناپایداری ضمانت‌های داخلی و عدم کفایت تضمینات بین‌المللی در این رابطه است. عدم کفایت تضمین‌های داخلی در مورد حقوق و آزادی افراد عمده‌تأ ناشی از فقدان یا نقصان قانون و مقررات داخلی کشورها و عدم انجام مسئولیت توسط دولت‌ها در رابطه با حقوق و آزادی‌های مردم است. بر اساس نظریه مونتسکیو " قدرت جلو قدرت را می‌گیرد". (مورژنون، ۱۳۸۰: ۹۴)

اما ممکن است قدرت؛ در برابر قدرت نایستد؛ بلکه با آن همدست شود؛ به این معنا که وظایف و استقلال قوای داخلی به هر صورت که باشد، ممکن است همگی در یک امر اشتراک پیدا کنند و آن به تسلیم در آوردن حقوق و آزادی‌ها باشد و اگر حقوق یک شهروند مثلاً توسط قوه مجریه تضییع گردد، چه ضمانتی وجود دارد که قوه قضائیه آن کشور در جهت احقاق حقوق آن شهروند در برابر قوه مجریه قرار بگیرد؟ و آیا نهادهای دولتی خطا ناپذیر هستند؟ و لذا با توجه به اینکه در قلمرو داخلی کشورها، دولت‌ها قدرت برتر هستند، بنابراین ممکن است علاوه بر اینکه مسئولیت خود را در رابطه با حقوق و آزادی افراد ایفاء نکنند، بلکه حتی خود؛ تحت پوشش مفاهیمی مانند امنیت داخلی و نظم عمومی و .... این حقوق و آزادی‌ها را نقص کنند.

از جمله موانع دیگر آزادی‌های سیاسی در جوامع عبارتند از استبدادزدگی از نظر تاریخی و احساس ناامنی و بی‌اعتمادی و ترس و هراس و سوء استفاده از آزادی و یا خشونت سیاسی، و فقدان احساس مسئولیت، نوع فرهنگ سیاسی مردم؛ عدم وجود هویت ملی و شکل ناپذیری جامعه مدنی؛ تحجر و سطحی‌اندیشی و ظاهرینی و عدم توجه به احکام عقلی و شرعی و معیارهای منطقی و نادیده گرفتن ارزشهای مذهبی و دین‌زدایی می‌باشد.

## نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده می توان نتیجه گرفت که اصول حقوق شهروندی؛ همچون ضرورت مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خویش، رقابت انتخاباتی سیستم نمایندگی؛ و مراجعه به آرای عمومی، حکومت اکثریت بر مبنای رای آزاد، ارتقای فرهنگ سیاسی، نظارت مردم و پاسخگویی مدیران، تحدید قدرت، تفکیک قوا و نظارت آنها بر یکدیگر و فعالیت احزاب و رسانه ها و مطبوعات و نهادهای مدنی و سازمانهای مردم نهاد و مقبولیت نظام سیاسی و تحقق عدالت واصل امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور جامعه؛ مستلزم توسعه سیاسی و به رسمیت شناختن و رعایت آزادی های سیاسی؛ بعنوان یکی از حقوق اساسی مردم در جامعه می باشد و البته آزادی در اسلام همراه با مسئولیت برای انسان در محضر پروردگار می باشد و لذا در عین حال که ضرورت دارد که حقوق شهروندی و آزادی های سیاسی به رسمیت شناخته شده و رعایت گردد؛ اما از سوی دیگر این آزادی ها نباید مورد سوء استفاده برای ظلم و گمراهی و انحراف و فتنه و فساد و آشوب و هرج و مرج در جامعه واقع شود.

## منابع

قرآن کریم.

- اخترشهر، علی (۱۳۸۲). طرحی نو در تبیین انقلاب اسلامی، تهران: نشر کاشف الغطاء.
- امین، سیدحسین (۱۳۷۶). تحقق جامعه مدنی درانقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۸۰). آزادی در قرآن، چاپ دوم، تهران: نشر مؤسسه ذکر.
- آیت الله جوادی آملی (۱۳۷۹). ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۸). دین و آزادی مندرج در دینداری و آزادی، تهران: نشر آفرینه.
- برلین، آیزایا (۱۳۶۸). چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمد علی موحد، تهران: نشر خوارزمی.
- پوپر، کارل (۱۳۷۷). جامعه باز و دشمنانش، چاپ اول، تهران: نشر خوارزمی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۷۷). مبانی نظری قانون اساسی، چاپ اول، تهران: نشر بقیعه.
- خاتمی، سید محمد (۱۳۷۸). دینداری و آزادی، چاپ اول، تهران: نشر آفرینه.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۷). در آمدی بر حقوق اسلامی، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.
- سلمانی، علی، پورنامداریان، تقی، جبر و اختیار از منظر عرفان و کلام، پژوهشنامه زبان و ادب پارسی، دوره ۱۵ شماره پیاپی ۴۸ شهریور ۱۴۰۰
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۷۵). آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷). اندیشه های سیاسی امام خمینی، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قائم مقامی، عباس (۱۳۷۸). حقوق طبیعی انسان مندرج در خط قرمز آزادی، تهران: نشر قطره.
- قائم مقامی، سید عباس (۱۳۷۸). خط قرمز، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- قهرمانی افشار، یاسر؛ پروین، خیرالله و محمدزاده اصل، محمد (۱۴۰۰). رهیافتی بر رابطه حاکمیت دولت و حقوق شهروندی با تاکید بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰ (۲۲)، ۷-۳۲.
- کسرای، محمد سالار؛ توسلی رکن آبادی، مجید و فرهادی، الهام (۱۴۰۱). بررسی جایگاه آموزش حقوق شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند ۲۰۳۰ یونسکو و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱ (۲۵)، ۷۵-۱۰۰.

- کواکبیان، مصطفی (۱۳۸۳). گفتمان آزادی و مردم سالاری، تهران: نشر پازینه.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۸۶). موانع مردم سالاری در ایران؛ تهران: نشر پازینه.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۸۱). هفت قطره از جاری زلال اندیشه امام خمینی (ره)، تهران: نشر پازینه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مبانی حقوق عمومی، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر و همکاران (۱۳۸۲). آزادی اندیشه و بیان، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). آزادی اندیشه و بیان، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- کوپر، جان (۱۳۸۰). اسلام و مدرنیته، ترجمه سودابه کریمی، تهران: نشر وزارت خارجه.
- گالبرایت، جان (۱۳۷۱). ماهیت فقر عمومی، ترجمه محمدحسین عادل، تهران: نشر اطلاعات.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۷۷). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ پنجم، تهران: نشر پایدار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). نبرد حق و باطل، چاپ هفدهم، تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ هجدهم، تهران: نشر صدرا.
- مهر پور، حسین (۱۳۷۱). دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.
- مهر پور، حسین (۱۳۷۸). حقوق بشر و راهکارهای اجرایی آن، چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.
- مهر پور، حسین (۱۳۷۱). مجموعه نظریات شورای نگهبان، چاپ اول، تهران: نشر کیهان.
- نویمان، فرانس (۱۳۷۳). آزادی، قدرت و قانون، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: نشر خوارزمی.
- وردی‌نژاد، فریدون (۱۳۷۷). جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۶۳). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.